کار

چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۸۱ - ۵ فوریه ۲۰۰۳ - دوره سوم - شماره ۲۹۷

KAR - No. 297 Wednesday 5. Feb. 2003

G 21170 D

آدرس کار در اینترنت: http://www.fadai.org

آدرس پست الکترونیکی: kar-aksaryat@gmx.de

شماره فاکس: Fax: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره پیامگیر: 0049 ö 221 ö 9322136

تک فروشی: ۲/۲۰ یورو

بهای اشتراک: شش ماهه ۳۰ یورو؛ یک ساله ۶۰ یورو

Verleger: I.G.e.v

دارنده حساب: I.G.e.v

شماره حساب: 22 44 20 32

کد بانک: 37 05 01 98

نام بانک: Stadtsparkasse Koeln

آدرس: I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

فرم درخواست اشتراک کار

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

Name:..... نام:

Address:..... نشانی:

.....

.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس کار پست کنید!

نقش کنسرن‌های تسلیحاتی آمریکا در بحران خلیج فارس

نوشته: کریستیان تنبروک — برگرفته از هفته‌نامه «دی‌تسایت» — برگردان: محمود صالحی

اشاره مترجم:
این مطلب در هفته‌نامه آلمانی «دی‌تسایت» به تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۰۳ تحت عنوان «Die Verteidigten Staaten» به چاپ رسیده و به نقش کنسرن‌های تسلیحاتی آمریکا در بحران خلیج فارس می‌پردازد.

* * *

وقتی بمب‌ها فرو می‌ریزند، بخریدا این توصیه دلال‌های بازار سهام است. زمانی که جت‌های جنگی بمب‌هایشان را رها می‌کنند، توپخانه‌ها به غرش درمی‌آیند. ناوهای هواپیمابر به مراکز فرماندهی تبدیل می‌شود و ماهواره‌های نظامی محل دقیق اهداف را نشان می‌دهد. چه کسی به جز کنسرنهای تسلیحاتی است که سود می‌برد؟

برای مثال کنسرن «Northrop Grumman» که به عقیده مجله اقتصادی «فوربس» بهترین شرکت آمریکایی است. مجله اقتصادی «مونی» سهام کنسرن «گورمان» را در لیست ۷ سهام برتر قرار داده و به بورس‌بازان باهوش توصیه خرید سهام آن را در این سال کرده است. این کنسرن طی ده سال گذشته ۱۶ شرکت تسلیحاتی را خریداری کرده و اکنون در مقام دومین کنسرن تسلیحاتی جهان قرار دارد. از ۱۶ تحلیلگر مهم اقتصادی در مورد کنسرن «Lockheed Martin» که در جهان صنایع نظامی شماره یک محسوب می‌شود، ۶ نفر به آن به دیده «strong buy» می‌نگرند.

این کنسرن اواخر هفته گذشته اعلام کرد برای سال ۲۰۰۳ بین ۸ تا ۱۲ درصد بر میزان فروش تسلیحات آن افزوده خواهد شد. کنسرن «Raytheon» که در رتبه چهارم قرار دارد و به تولید راکت و الکترونیک مربوط به آن می‌پردازد هم خبر از افزایش ۶ تا ۸٪ فروش تسلیحات داد. ضربان قلب همه آنهایی که پولشان را از راه فروش تسلیحات کسب می‌کنند از زمان حمله احتمالی به عراق افزایش نیافته است، بلکه از آغاز سال ۲۰۰۲ «هایدی وود» تحلیلگر بانک تجاری «مورگان استنلی» خبر از «افزایش طبیعی فروش تسلیحات و سودهای بالا» در این بخش اقتصادی را داده بود.

طبیعی به این دلیل که آمریکا در نتیجه ترورهای ۱۱ سپتامبر نیویورک و واشنگتن دوباره هزینه زیادی برای نیروهای نظامی در نظر گرفته است. در بودجه سال ۲۰۰۳ برای پنتاگون ۳۷۹ میلیارد دلار در نظر گرفته شده. این میزان ۲۹درصد بیشتر از سال ۲۰۰۰ است.

هم‌اکنون بودجه نظامی آمریکا ۲۵برابر مجموع بودجه نظامی کشورهای «لیست شرارت»: ایران، عراق، لیبی، سوریه، سودان، کره‌شمالی و کوبا است. دوسوم هزینه‌های نظامی کل جهان را تانو خرج می‌کند. زمانی که رونالد ریگان در واشنگتن حکومت می‌کرد میزان آن ۵۰ درصد بود.

البته ریگان هزینه بیشتری صرف خرید اسلحه‌های جدید می‌نمود. سال ۱۹۸۳ برای ناوجنگی، بمب و یا هواپیما ۱۲۱ میلیارد دلار هزینه شد. امروز ۷۳ میلیارد دلار به اضافه ۵۰ میلیارد برای تحقیقات و توسعه‌اسلحه بکار برده می‌شود. دیوید استراس تحلیلگر بانک تجاری «UBS» معتقد است طی سالهای آتی ما شاهد افزایش سالانه بین ۸ تا ۱۰درصد خرید تسلیحات خواهیم بود و تا سال ۲۰۰۹ بودجه دفاعی آمریکا به ۴۹۰ میلیارد دلار خواهد رسید.

در دهه نود تولیدکنندگان اسلحه به چند بازیگر اصلی تقلیل یافت و اکنون چنین ارقامی آنان را خوشحال می‌کند. پس از پایان جنگ سرد «آسپین» وزیر دفاع آن زمان آمریکا، مدیران کارخانجات اسلحه‌سازی را به واشنگتن فرا خواند و از آنها خواست در شرایط جدید بعد از جنگ سرد یا فوزیون کنند و یکی شوند و یا از فکر تولید سلاح دست بردارند. نتیجه آن نشست این شد که امروز کنسرن‌های «لاک‌هیدمارتین»، «بوئینگ»، «گسرومان»، «ری‌تون» و «جنرال دینامیک» صحبت از «مثلث آهنین» سیاستمداران که تصمیم‌گیری می‌کنند. نظامیان که بودجه نظامی را هزینه می‌کنند و صنایع نظامی که سیستم‌های نظامی را تولید می‌کنند.

در کابینه بوش تنها نمایندگان کنسرن‌های نفتی حضور ندارند. در کنار آنها نمایندگان کنسرن‌های تسلیحاتی نیز نشسته‌اند. جمیز راش معاون وزیر قبلا از مدیران کنسرن گرومان بوده و اکنون در پنتاگون مسئول نیروی هوایی است. معاون او پیتر تنس جزو هیئت رئیسه کنسرن «لاک‌هیدمارتین» بوده است.

بر اساس گزارش مجله نورک تایمز کنسرن‌های تسلیحاتی از اواسط سال ۲۰۰۱ تا آخر سال ۲۰۰۲ بیش از ۹۰ میلیون دلار کمک مالی برای مبارزه انتخاباتی سناتورها و نمایندگان مجلس پرداخت کرده‌اند. علاوه برآن تمام تلاش کنسرن‌ها مبنی بر حضور هرچه بیشتر در مناطق انتخاباتی است. کنسرن بوئینگ که بیش از نیمی از درآمدش از طریق صادرات اسلحه است، در ۶۱ منطقه حضور دارد. با هر سفارش و خط تولید تسلیحاتی مشاغل جدیدی بوجود می‌آید و سرمایه وارد منطقه می‌شود و با آن امکان انتخاب مجدد نماینده مجلس و یا سناتور را فراهم می‌کند.

بحران و بازار بورس

تاریخ	واقعه	میزان افزایش
۷ آگوست ۹۸	حمله به سفارت آمریکا در کنیا	٪۱
۱۲ اکتبر ۲۰۰۰	حمله به ناو هواپیمابرکول	٪۵
۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱	تخریب ساختمان تجارت جهانی	٪۲۱

کنسرن‌های تسلیحاتی آمریکا

نام کنسرن	نوع تولیدات	تعداد کارکنان	میزان فروش فقط در آمریکا
لاکهید	هواپیمای جنگی اف/آ۲۲ هواپیمای جنگی اف ۱۶ هواپیمای جنگی اف ۱۱۷ الکترونیک صنایع نظامی	۱۲۵۰۰۰ نفر	۱۴/۷ میلیارد دلار
بوئینگ	بمب‌افکن ب ۲ هواپیمای جنگی اف/آ۱۸ هلی‌کوپتر آپاچی بمب‌های باهوش	۱۹۸۰۰۰ نفر	۱۳/۳ میلیارد دلار
ری‌تون	موشک تام‌هاوک ضدهوائی پاتریوت سیستم رادار توپ‌های هدایت‌شونده	۷۷۰۰۰ نفر	۵/۶ میلیارد دلار
گورمان	بمب‌افکن ب ۲ ناوهواپیمابر رونالدریگان زیردریائی و ناو جنگی ماهواره نظامی	۴۰۰۰۰ نفر	۵/۲ میلیارد دلار

اولین جنگ کلاسیک قرن بیست و یکم چگونه آغاز می‌شود

روزنامه ایران چهارشنبه ۹ بهمن ۱۸۳۱

به نظر می‌رسد علیرغم تلاش اروپا، روسیه و چین اشتیاق آمریکا برای آغاز جنگ با عراق در حال افزایش است. ادامه اعزام نیرو (اعم از نیروهای پیاده، ناوهای هواپیمابر و واحدهای برگزیده) به منطقه مؤید این نکته است. به عقیده کارشناسان نظامی به محض اینکه شمار نیروهای آمریکا در منطقه به ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر برسد و واحدهای لجستیکی کار انتقال تانکی و توپخانه سنگین را به پایان برسانند آغاز جنگ قطعی خواهد بود. جنگ مذکور اگر رخ دهد اولین جنگ با ابعاد واقعی یک جنگ کلاسیک (استفاده گسترده از نیروهای زمینی، رزمی، دریایی و هوایی) خواهد بود. جنگی که شباهتی به نبرد افغانستان که در آن ۶۰ هزار چریک طالبان بدون هیچگونه پشتیبانی جنگافزارهای سنگین به نبرد با نیروهای بومی منطقه و لشکرهای برگزیده آمریکایی و انگلیسی پرداختند.

مقاله زیر به ترسیم این فضا خواهد پرداخت که در صورت بروز نبرد سوم خلیج فارس این جنگ از چه ویژگی‌هایی برخوردار خواهد بود.

نگاهی به توانایی‌های ارتش عراق

ارتش عراق پس از تحمل ضربات بسیار سنگین در جنگ ۱۹۹۱، اکنون تنها ۴۰ درصد از توان سال مذکور را دارد. در آن زمان ارتش عراق بیا در اختیار داشتن ۶۰ لشکر (یک میلیون سرباز)، ۷۰۰ هواپیما، ۵۵۰۰ تانک، ۷ هزارنفربر زرهی، هزاران عراده توپ و شبکه‌های در هم پیچیده پدافندی (توپ و موشک سام) از نظر حجم تجهیزات پنجمین ارتش دنیا را در اختیار داشت. اما آنچه امروز پس از ۱۲ سال تحریم، بمبارانهای مداوم و کمبود منابع مالی، برای صدام عملا ۴۲۰ هزار سرباز، ۲۲۰۰ تانک، ۳۸۰۰ نفربر زرهی و ۲۴۰۰ توپ به جا مانده است. نیروی هوایی این کشور نیز تنها ۳۱۶ فروند هواپیما در اختیار دارد که اکثرا زمینگیر و قدیمی هستند. (گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک آمریکا) ارتش عراق همچنین از نظر چارت نظامی از هفت قرارگاه مرکزی، چهار لشکر مکانیزه، ۱۲ لشکر پیاده، ۶ لشکر گارد ریاست جمهوری، ۱۰ تیپ کماندویی و ۲ تیپ نیروی ویژه برخوردار است. عراق همچنین از ۵۰۰ هلی کوپتر، ۶ هزار توپ ضدهوایی و ۶ سکوی اصلی پرتاب موشک اسکاد برخوردار است(۱). تانکهای عراقی عمدتا از نوع تی ۵۴ تی ۵۵ و تی ۶۲ است اما آنچه سبب نگرانی فرماندهان ارشد پنتاگون شده وجود ۷۰۰ تانک تی ۷۲ در لشکرهای گارد عراق است. این تانکها به دلیل استفاده از زرهای سنگین و برخوردار از توان آتش بالا به سادگی متوقف نمی‌شوند. در جنگ قبلی خلیج فارس، آمریکا با درهم کوبیدن جاده‌ها و پلهای بر سر راه این لشکرها عملا مانع ورود آنها به صحنه جنگ شد اما همین مساله سبب شد آنها برای روز مبادای صدام سالم بمانند. هواپیماهای عراق عمدتا از نوع میگهای ۲۹، ۲۵، ۲۳ و ۲۱ و سوخوی ۲۰، ۲۴ و ۲۵ است که بجز میگها و سوخوی ۲۵ سایر جنگنده‌های مذکور از قابلیت مناسبی برخوردار نیستند. البته صدام از حدود ۳۰ فروند میراژ اف یک نیز بهره می‌برد که توانایی قابل ملاحظه در حمله به مواضع زمینی دارند اما به نظر می‌رسد که تحریمها سبب کاهش کارایی آنها شده باشد. عراق از ۱۰ تا ۱۵ فروند توپولوف ۱۶ و ۲۲ نیز بهره می‌برد که این هواپیماها بمب‌افکن بوده و در شرایط مطلوب دارای برد پروازی زیادی هستند.

صدام از نیروی دریایی قابل توجهی برخوردار نیست و عمده این نیرو را در جنگ علیه ایران و جنگ دوم خلیج فارس از دست داد.

در مجموع به نظر می‌رسد که ستون قابل اتکای ارتش صدام کماکان نیروی زمینی آن کشور و بویژه لشکرهای آموزش‌دیده گارد ریاست جمهوری باشند.

توانایی‌های آمریکا در منطقه

آمریکا در این نبرد به احتمال زیاد به جز انگلیس همراه دیگری نخواهد داشت. انگلیس نیز به دلیل محدودیت منابع قادر نخواهد بود بیش از ۱۰ تا ۱۵ درصد نیروی مورد نیاز آمریکا را تامین کند. بنابراین ابرقدرت قرن بیست و یکم باید به تنهایی این سناریو را تمام کند. ارتش آمریکا از هم اکنون با چند انتخاب برای آغاز جنگ روبرو است.

جنگ سبک که پیشنهاد دونالد رامسفلد وزیر دفاع است. در این جنگ مانند جنگ افغانستان آمریکا به جای استفاده از لشکرهای سنگین زرهی و پیاده از واحدهای برگزیده نظیر لشکر ۱۰۱ هوابرد، لشکر یکم، لشکر ۲۸ و لشکر ۱۰ کوهستان استفاده می‌کند و با پشتیبانی پرحجم نیروی هوایی به محاصره بغداد پرداخته و کنار عراق را یکسره می‌کند. این طرز تفکر در بین نظامیان آمریکایی طرفداری ندارد و آن را بلندپروازانه و فاقد کارایی می‌دانند. آنها معتقدند اگرچه پیشرفت فن‌آوری موشکی سبب اهمیت بالای نیروی هوایی شده اما هنوز هم برای مقابله با یک ارتش بزرگ جهان سومی نیاز به لشکرهای متعدد زمینی است.

استراتژی جنگ سنگین که توسط ریچارد مایرز رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا و نظامیان پنتاگون مطرح می‌شود بر همین پایه است. آنها معتقد به استفاده از ۲۵۰ تا ۳۷۰ هزار نیرو در جنگ و استفاده از هزاران تانک هستند. به اعتقاد آنها ارتش عراق را نمی‌توان دست کم گرفت و یک ضدحمله خطرناک می‌تواند واحدهای برگزیده آمریکایی را که از پشتیبانی سلاحهای سنگین برخوردار نیستند بشدت دچار مشکل کند. آنها می‌دانند افکار عمومی آمریکا هیچگونه اشتیاقی را در جنگ عراق نخواهد پذیرفت. بخصوص که نتیجه این اشتباه صدها کشته آمریکایی باشد.

در حال حاضر ۱۲۰ هزار نیروی نظامی آمریکایی در منطقه مستقر هستند و شمار آنها مرتب در حال افزایش است. به نظر می‌رسد آمریکا به دنبال آن است که از ۱۰ ناو هواپیمابر خود ۶ فروند را به خلیج فارس بکشاند. بر روی هر ناو هواپیمابر بین ۷۰ تا ۸۰ هواپیما مستقر است و بین ۳ تا ۵ هزار تفنگدار در آنها آماده عملیات هستند. این ناوها در خلیج فارس، اقیانوس هند، دریای عمان، دریای سرخ و دریای مدیترانه مستقر خواهند بود. ناوهای هواپیمابر کانستلیشن به همراه دو زیردریایی اتمی، دو ناوشکن موشک‌انداز و یک کشتی کوچک هم اکنون در خلیج فارس مستقر است. ناوهای جرج واشنگتن، آبراهام لیکلن و کیتی هاوک نیز دستور حرکت به سمت خلیج فارس را دریافت کرده‌اند. دلیل افزایش حضور ناوهای هواپیمابر در این است که اگر اعراب مانع استفاده آمریکا از پایگاههای هوایی خود شدند آمریکا بتواند نیروهای خود را توسط این ناوگان پشتیبانی کند.

انگلیس نیز به دنبال آن است که ناو هواپیمابر ایلستریوس را به همراه یک گروه دریایی به منطقه اعزام کند. آمریکا در حال حاضر در منطقه حدود ۴۰۰ هواپیما از انواع اف ۱۸ هورنت، اف ۱۴ تامکت، ای ۶ انترادر و اف ۱۵ ایگل دارد. این تعداد هواپیما می‌توانند به سرعت با اعزام اسکادر انتهایی از فرودگاههای آمریکایی ناتو در اروپا و اینجرلیک ترکیه و دیه‌گوگارسیا در اقیانوس هند تقویت شوند.

هنوز بزرگترین دغدغه آمریکا همراهی اعراب خلیج فارس با این کشور در جنگ با عراق است اگر آنها اجازه ندهند (یا به طور محدود اجازه دهند) که آمریکا برای عملیات هوایی و زمینی از خاک آن کشورها استفاده کند آمریکا مجبور به ایجاد فرودگاههای کوچک و موقت اضطراری در داخل خاک عراق است. اگرچه کویت کشوری است که بوش بر روی آن حساب کرده و می‌تواند مطمئن باشد که بار اصلی پیاده‌شدن و آرایش قوا در

ادامه در صفحه ۱۱